

بنای مسؤلیت مدنی تولیدکنندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات؛

مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، اسلام، امریکا و اتحادیه اروپا

تاریخ دریافت ۹۴/۴/۸ - تاریخ پذیرش ۹۴/۸/۵

سید حسین صفایی^۱
هادی شعبانی کندسری^۲

چکیده

بررسی مبنای مسؤلیت مدنی تولیدکنندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات در حقوق امریکا و اتحادیه اروپا نشان می‌دهد برای گروه نخست مسؤلیت محض مقرر شده، اما در خصوص مبنای مسؤلیت ارائه‌دهندگان خدمات همچنان نظریه‌ی تقصیر اثبات‌شدنی حاکم است و پیشنهاد اماره‌ی تقصیر برای مسؤلیت آنان هنوز پذیرفته نشده است. با وجود این تمایل دکتربین و دادگاه‌ها بر این است که اثبات تقصیر آنان را تسهیل نمایند. در نظام حقوقی ما قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان حکم واحدی برای تولیدکنندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات در نظر گرفته است. اگر چه ماده (۲) به صراحت در زمینه‌ی مبنای مسؤلیت آنها تعیین تکلیف نکرده است و آن را به سایر قوانین، قرارداد و عرف ارجاع داده است که از آن بر می‌آید قانونگذار بر مسؤلیت مبتنی بر تقصیر نظر داشته است. در حقوق اسلام، مسؤلیت محض تولیدکنندگان کالا با متون فقهی و آرای فقهای امامیه سازگاری بیشتری دارد. در مقابل، برخی از روایات و فتاوا در زمینه‌ی ضمان اجیر بیانگر اماره مسؤلیت ارائه‌دهندگان خدمات است که اثبات عدم مسؤلیت بر عهده خود آنان قرار داده شده است. از این رو، پیشنهاد می‌شود قانونگذار ضمن اصلاح قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، مسؤلیت محض تولیدکنندگان کالا و اماره مسؤلیت ارائه‌دهندگان خدمات را شناسایی نماید و رویه قضایی نیز تا اصلاح قانون، مسؤلیت بدون تقصیر تولیدکنندگان کالای معیوب و اماره مسؤلیت عرضه‌کنندگان خدمات را با توجه به انطباق آن با مبانی فقهی و ضرورت حمایت از مصرف‌کنندگان و نیز پیش‌بینی آن در بعضی از قوانین پراکنده برقرار سازد.

واژگان کلیدی: تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات، مسؤلیت محض، اماره مسؤلیت، استناد خسارت.

۱. استاد بازنشسته دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسؤل) رایانامه: hsafaii@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران





مقدمه

با وقوع انقلاب صنعتی و پیچیده شدن کالاهای تولیدی و خدمات گوناگون و استفاده از دانش و مهارت خاص در تولید و ارائه‌ی آنها، و به جهت ورود خسارت‌های بدنی و مالی شدید در اثر عیب کالا و عدم سلامت خدمات به مصرف‌کنندگان و حتی اشخاص ثالثی که مصرف‌کننده نبوده و در اثر اتفاق دچار حادثه می‌شدند، اندیشه‌ی حمایت از مصرف‌کنندگان کالا و خدمات در نظام‌های حقوقی مختلف شکل گرفت. حقوق ایالات متحده به ویژه در حوزه عیب کالا جلودار حمایت از مصرف‌کننده و تسهیل دعوای مسئولیت مدنی لقب گرفت و اتحادیه اروپا نیز تحت تأثیر رویه قضایی و دکترین امریکایی به اندیشه‌ی حمایت از مصرف‌کنندگان کالا و خدمات جامه‌ی عمل پوشاند. در حقوق کشور ما، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸ در خصوص مبنای مسئولیت تولیدکنندگان کالاها و عرضه‌کنندگان خدمات به صراحت تعیین تکلیف نکرده و همین امر سبب اختلاف شده است. سؤال این است که در حقوق ما مسئولیت تولیدکنندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات بر چه مبنایی استوار بوده و تا چه حد با متون فقهی و تحولات جامعه‌ی جهانی سازگار است؟ آیا از جهت مبنای مسئولیت، بین تولیدکنندگان کالا و عرضه‌کنندگان خدمات تفاوت وجود دارد؟

برای پاسخ به این پرسش، نخست لازم است مبنای مسئولیت مدنی تولیدکنندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات در حقوق ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا روشن شود و افزون بر آن، مسئولیت اشخاص نامبرده از جهت رویکرد فقهی مورد مطالعه قرار گیرد تا زمینه‌ی پرداختن به بحث مبنای مسئولیت تولیدکنندگان کالا و عرضه‌کنندگان خدمات در حقوق ایران فراهم شود. به این منظور، با روش تحقیق توصیفی تحلیلی، مبنای مسئولیت مدنی تولیدکنندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات در دو مبحث جداگانه مطالعه می‌شود و





در هر مبحث، مقررات حقوق امریکا و اتحادیه اروپا، حقوق اسلام و حقوق ایران بررسی می‌گردد.

۱. مبنای مسؤولیت مدنی تولیدکنندگان کالا

۱-۱. مبنای مسؤولیت مدنی تولیدکنندگان کالا در حقوق امریکا و اتحادیه اروپا

با پیچیدگی کالاهای تولیدی و ترتب خسارت‌های متعدد و زیان‌های سنگین بدنی و مادی بر آن، فکر عدم مسؤولیت تولیدکنندگان کالا رنگ باخت و حمایت از مصرف‌کنندگان قوت گرفت. در ابتدا سعی می‌شد از همان قواعد قراردادی مرسوم از قبیل تضمین صریح یا ضمنی سلامت کالا از خریداران حمایت شود؛ ولی اصل نسبی بودن قراردادهای مانع از این بود که اشخاص ثالث زیان‌دیده بتوانند به تولیدکنندگان کالا که با آنان رابطه‌ی قراردادی نداشتند، رجوع نمایند. به همین خاطر، در سال ۱۸۴۲ در پرونده *Winterbottom v. Wright* که شرکت تولیدی خودرو کالسکه‌هایی برای انجام خدمات پستی به اداره‌ی مرکزی پست فروخته بود و در اثر واژگونی آن به خاطر نقص فنی، راننده آسیب دیده بود، دادگاه دعوای زیان‌دیده علیه شرکت تولیدی را به خاطر فقدان رابطه‌ی قراردادی با شرکت تولیدی نپذیرفت (استون، ۱۳۸۸: ۱۶۹). پس از آن، در امریکا دادگاه‌ها برای جبران خسارت اشخاص ثالث به نظریه مسؤولیت غیر قراردادی و تقصیر^۱ روی آوردند. در سال ۱۹۱۶ در دعوای *Mac Pherson V. Buick Motor Co.* خواننده خودرویی را به بنگاه فروش خودرو فروخته و خواهان آن را از بنگاه مزبور خرید، ولی به علت اینکه در اثر خارج شدن یکی از چرخ‌ها صدمه دیده بود، بر اساس اصل تقصیر علیه شرکت تولید خودرو اقامه‌ی دعوای دادگاه با این استدلال که خواننده در واریسی چرخ‌های اتومبیل سهل‌انگاری کرده و عیب آن را رفع ننموده است، حکم به مسؤولیت وی داد (Stephenson & Clark, 1987: 6; Prosser & Keeton, 1984: 25؛ استون، ۱۳۸۸: ۱۷۴).

مبنای مسؤولیت مدنی تولیدکنندگان کالا در حقوق امریکا و اتحادیه اروپا





با وجود این، نظریه‌ی مسئولیت قراردادی و نظام مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر برای جبران زیان ناشی از عیب کالا کارایی نداشت و به شدت مورد انتقاد بود، چرا که عدالت و انصاف اقتضا می‌کرد خسارت زیان‌دیدگان جبران شود، حتی اگر تقصیری که در چرخه‌ی تولید و توزیع کالا رخ داده، قابل اثبات نباشد یا حتی تقصیری به معنای مرسوم آن واقع نشده باشد، زیرا هر کس که سود فعالیت را می‌برد، باید زیان ناشی از آن را نیز تحمل نماید. بنابراین، هرچند پذیرش مسئولیت مدنی کسانی که به اشخاص ثالث خسارت زده بودند و خارج شدن از مرز اصلی نسبی بودن قراردادها منطقی می‌نمود، ولی با این ایراد اساسی روبه‌رو بود که اثبات تقصیر تولیدکنندگان کالا برای مصرف‌کننده‌ای که اطلاعات تخصصی و امکانات فنی و مالی لازم برای آن را در اختیار ندارد، بسیار دشوار و گاه غیرممکن بود. افزون بر آن، اثبات تقصیر بر عهده‌ی زیان‌دیده بود و چنانچه تولیدکننده‌ی معقول و متعارف، در فرآیند تولید مراقبت‌های لازم را انجام می‌داد، در برابر مصرف‌کننده مسئولیت نداشت. راهکارهای جایگزین، یعنی گسترش مسئولیت قراردادی ناشی از تضمین صریح یا ضمنی سلامت و ایمنی کالا و اماره تقصیر نیز با ایرادات اساسی روبه‌رو شد، چرا که شامل کسانی که در اثر حادثه و حسب اتفاق از کالا زیان می‌دیدند، نمی‌شد. به علاوه، با شرط خلاف در قرارداد چنین مسئولیتی از بین می‌رفت. (استون، ۱۳۸۸: ۱۸۲-۱۷۷)

این ایرادات و ناکارآمدی راه‌حل‌های پیشنهادی سبب شد رویه‌ی قضایی ایالات متحده مسئولیت محض را به عنوان مبنای مسئولیت مدنی تولیدکنندگان کالای معیوب مقرر نماید. در دعوای Escola v. Coca Cola Bottling Co. که بطوری نوشابه در دست خدمتکار رستوران ترکیده بود و به خواهان خسارت زده بود، قاضی پرونده اعلام کرد نظم عمومی اقتضا می‌کند خسارت خواهان در هر حال جبران شود، حتی اگر نتواند سهل-انگاری تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و فروشندگان را اثبات نماید. پس از آن، دادگاه عالی کالیفرنیا مسئولیت محض را در پرونده Greenman v. Yuba Power Products Inc. پذیرفت و سپس در ایالات دیگر نیز مورد پذیرش قرار گرفت (استون، ۱۳۴۵: ۳۵-۵۸؛ Prosser & Keeton, 1984: 25; Stephenson & Clark, 1987: 6). مؤسسه حقوق





امریکا نیز در بند نخست ماده (۴۰۲) شرح جدید حقوق نسخه‌ی دوم^۱ چنین مبنایی را مستقر نمود «هر کس کالای معیوبی به دیگری بفروشد که برای استفاده کننده، مصرف کننده و یا اموال آنها خطر نامتعارفی را در پی داشته باشد، مسؤول زیان‌هایی است که... وارد می‌شود». نسخه‌ی سوم شرح جدید حقوق مسؤولیت مدنی امریکا مورخ ۱۹۹۷ نیز نظام مسؤولیت محض را پیش‌بینی نموده است.

اتحادیه اروپا به تبع حقوق امریکا، با وضع دستورالعمل مورخ ۲۵ ژوئن ۱۹۸۵ و پذیرش مسؤولیت محض تولیدکنندگان کالای معیوب، رعایت آن را برای تمامی کشورهای عضو الزام آور کرده است. ماده (۱) آن اشعار می‌دارد «تولیدکننده مسؤول خسارتی است که از عیب محصول او ناشی می‌شود». در ماده (۴) نیز به تمام تردیدها در خصوص مبنای مسؤولیت تولیدکنندگان پایان می‌دهد و صرف ورود زیان، وجود عیب در کالا و رابطه‌ی سببیت بین عیب و زیان را برای تحقق مسؤولیت کافی می‌داند. با دستورالعمل فوق، کشورهای اروپایی ملزم شدند قوانین داخلی خود را مطابق با دستورالعمل اروپایی اصلاح نمایند. از این رو، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده ۱۹۸۷ انگلستان، فرمان ریاست جمهوری شماره ۲۴۴ مصوب ۱۹۸۸ ایتالیا، قانون مسؤولیت ناشی از عیب تولید ۱۹۹۰ آلمان، مواد (۱۸۵) تا (۱۹۳) قانون مدنی جدید هلند مصوب ۱۹۹۰، قانون ۱۹۹۱ ایرلند جنوبی، قانون مسؤولیت تولید مصوب ۱۹۹۲ بلژیک و قانون ناشی از فرآورده‌های معیوب ۱۹۹۸ فرانسه (الحاق ۱۸ بند به ماده (۱۳۸۶) قانون مدنی) با پذیرش مسؤولیت محض برای تولیدکنندگان کالای معیوب به تصویب رسید. دستورالعمل ۱۹۸۵ با دستورالعمل اروپایی 1999/34/EC اصلاح شد و پس از آن نیز دستورالعمل‌های دیگری توسط اتحادیه اروپا وضع شد که همگی در صدد تثبیت و گسترش مسؤولیت محض تولیدکنندگان کالاهای معیوب بودند. بر اساس دستورالعمل‌های یادشده، تولیدکنندگان شامل سازندگان، تأمین‌کنندگان قطعات و اجزای کالا، فروشندگان، واردکنندگان و اشخاصی که نام یا علامت

مبنای مسؤولیت محض تولیدکنندگان کالا را در دستورالعمل اتحادیه اروپا، مطابق با دستورالعمل اتحادیه اروپا، مطابق با دستورالعمل اتحادیه اروپا





تجاری خود را بر کالای معیوب استعمال می کنند، می شود (Hodges, 2000: 122;)
(Cavaliere, 2004: 301).

۲-۱. مبنای مسؤولیت مدنی تولیدکنندگان کالا در حقوق اسلام

نظر بر عدم مسؤولیت تولیدکنندگان کالای معیوب به طور خاص در حقوق اسلام باید سراغ مبنای کلی مسؤولیت در ضمان ناشی از اضرار به غیر رفت. در اینکه مبنای مسؤولیت در اتلاف (بالمباشره و بالتسبیب) چیست، از برخی روایات (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹: ۲۷۷؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰: ۲۲۹؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴: ۲۷۸) و ادله‌ی حجیت قاعده اتلاف (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۱۰۹) بر می آید که بنای مسؤولیت بر تقصیر استوار است و بدون آن ضمانی تحقق نمی یابد. با وجود این بسیاری بر این باورند که از اطلاق قاعده اتلاف و فتاوی فقهای شیعه فهمیده می شود که تقصیر رکن مسؤولیت نیست و مبنای آن ورود ضرر به دیگری است و معیار آن نیز صدق عرفی اتلاف است. به عنوان مثال، صاحب عنوانین معتقد است «اتلاف گاهی به مباشرت است و گاهی به تسبیب... تفاوتی بین مواردی که متلف مباشر یا مسبب یا امثال آن باشد نیست. مباشر و سبب مرتبه خاصی ندارند، گاهی شخص سبب و گاهی سبب سبب است... بنا بر آنچه از نص و فتوا بر می آید، چون منشأ ضمان اتلاف است، محور مسؤولیت صدق تلف بر حسب عرف است... پس شایسته است که صدق عرفی تلف معیار قرار گیرد». (مراغی، ۱۴۱۸: ۴۳۵). مؤلف تحریرالمجله می گوید «اتلاف در میان فقها دو نوع است: به مباشرت و به تسبیب. تمام انواع اتلاف، تسبیب هستند. نهایتاً خود سبب گاهی نزدیک و گاهی دور است که به اولی مباشرت و به دومی تسبیب گفته می شود. در هر حال همه‌ی اینها موجب مسؤولیت هستند و در این مورد ضابطه، اسناد عرفی اتلاف به تلف کننده است». (کاشف الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۲: ۱۴۱) جمعی از معاصرین نیز معتقدند مراد از سبب یا تسبیب، علت یا معنای فلسفی آن نیست، بلکه مقصود از آن فعلی است که موجب خسارت می شود و عرف آن را به مسبب منسوب می سازد و ضابطه‌ی آن نیز ارتکاز عقلایی است و از این رو، از موردی به مورد دیگر تفاوت می کند. بنابراین، تسبیب مسأله‌ی عقلی نیست و معنای لغوی و فلسفی ندارد، بلکه تنها مسأله‌ای عرفی است و مقصود از آن انتساب عقلایی خسارت به اوست (هاشمی



شاهرودی، ۱۴۲۳، ج ۳: ۲۵۲؛ افزون بر این‌ها، بسیاری از فقهای شیعه در فروع متعدد فقهی
 صدق عرفی اتلاف را برای حکم به ضمان کافی شمرده‌اند. (خویی، بی تا، ج ۳: ۲۶۱؛
 موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴: ۱۸۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸: ۲۲۳؛ روحانی، ۱۴۱۲، ج ۱۹:
 ۱۱۴)

بنای سؤالات حقوقی در نزد کارکنان کانون کارکنان در زمینه خدمات: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، اسلام، امریکا و اتحاد اروپا

بنابراین، در حقوق اسلام آنچه موضوعیت دارد، صدق اتلاف است که به دو قسم
 اتلاف به مباشرت و اتلاف به تسبیب تقسیم شده (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۳: ۱۸۱؛ شهید
 ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۲: ۱۶۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۷: ۴۶؛ شاهرودی، ۱۴۲۳، ج ۳: ۲۵۲) و مبنای
 مسؤولیت در آنها واحد است. با وجود این از آنجا که در اتلاف به مباشرت، بین فعل
 زیان بار و ورود خسارت فاصله نمی‌افتد، تشخیص رابطه‌ی سببیت به سادگی صورت می‌-
 پذیرد و وجود تقصیر در آن شرط نیست، ولی در اتلاف به تسبیب چون زیان وارد شده با
 فعل زیان بار فاصله دارد، برای احراز رابطه‌ی سببیت تقصیر عامل زیان شرط دانسته شده
 است. ولی این به آن معنا نیست که تقصیر رکن مسؤولیت است و بدون آن ضمانتی محقق
 نمی‌شود. بسیاری از حقوق دانان ما نیز بر این باورند که در حقوق اسلامی، تقصیر مبنای
 مسؤولیت محسوب نمی‌شود و کاربرد عباراتی نظیر تعدی، تفریط و تقصیر توسط فقها
 برای احراز رابطه‌ی سببیت است. (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱۰: ۱۶۵؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳:
 ۷۷؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۱۶۲۵؛ بابایی، ۱۳۸۱: ۷۹ و ۸۸؛ بهرامی احمدی، ۱۳۹۰: ۵۹)
 در نتیجه، طبق این دیدگاه غالب، آنچه مبنای مسؤولیت را در فقه تشکیل می‌دهد، به
 مسؤولیت محض بسیار نزدیک تر است تا به نظریه‌ی تقصیر. تنها در پاره‌ای از موارد است
 که به دلیل ویژه، تقصیر رکن مسؤولیت محسوب می‌شود و بدون آن ضمانتی پدید نمی‌آید.
 به عنوان مثال، در تزامم قواعد اتلاف و احسان، حکومت با قاعده احسان است و احسان-
 کننده ضامن نیست، مگر اینکه مرتکب تقصیر شود. (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴: ۱۲-۱۳؛ فاضل
 لنکرانی، ۱۴۲۸: ۲۸۳؛ مراغی، ۱۴۱۸: ۴۷۷) همچنین، در تزامم قواعد تسبیب و تسلیط،
 قاعده‌ی تسبیب در مقابل ادله‌ی جواز بدون ضمان ناشی از قاعده تسلیط، توانایی مقابله
 ندارد و مالک تنها در صورت تقصیر مسؤول است. (قمی، بی تا: ۲۳۶؛ سیستانی، ۱۴۱۷:
 ۲۸۸)





حال با مشخص شدن مبنای مسئولیت در ائتلاف و تسبیب از منظر فقه اسلام که مسئولیت بدون تقصیر و مبتنی بر انتساب خسارت به عامل آن است، باید دید آیا می‌توان مسئولیت محض تولیدکنندگان کالای معیوب را در این نظام حقوقی پذیرفت؟ به عبارت دیگر، آیا می‌توان گفت تولیدکننده با تولید کالای معیوب سبب خسارت شده و عرف زیان ناشی از کالای معیوب را به تولیدکننده منسوب می‌سازد؟

در این زمینه باید توجه داشت که در نظر فقهای امامیه، سبب به معنای شرط است، به این معنا که اگر سبب نبود، خساراتی به بار نمی‌آمد (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۶۵۱؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۵۳۹؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۲۳۷؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۷: ۵۶؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۲: ۱۶۳؛ خمینی، بی‌تا، ج ۲: ۳۶۰؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸: ۷۸ و ۱۰۴). صاحب جواهر نیز در کتاب غصب پس از نقل تعریف‌های فقها از تسبیب بیان می‌نماید سبب به معنای علت تامه و به معنای اصطلاحی یعنی چیزی که از وجودش وجود حاصل شود و از عدمش عدم پدید آید بر حسب ذاتش، نیست، بلکه مراد از آن شرط است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۷: ۵۱). ماده (۵۰۶) قانون مجازات اسلامی نیز این ضابطه را در تعریف تسبیب پذیرفته است. در حقیقت، شرط در معنای دقیق، امری است که از عدمش عدم لازم می‌آید، ولی از وجودش وجود لازم نمی‌آید. به عبارت دیگر، بین شرط و مشروط تنها ملازمه‌ی عدمی برقرار است، بدون اینکه وجود شرط برای تحقق مشروط به تنهایی کفایت کند. از نظر فقهای شیعه، سبب یا سببیت امری است که اگر نبود، خسارت یا جنایت واقع نمی‌شد، بدون این که وجود آن برای تحقق خسارت کافی باشد. در نتیجه، با آشکار شدن مفهوم و معیار سببیت در فقه امامیه، احراز استناد خسارت ناشی از عیب کالا به تولیدکننده تسهیل می‌شود، زیرا اگر تولیدکننده به تولید کالای معیوب نمی‌پرداخت و یا عیب آن را بر طرف می‌ساخت، خسارت مذکور واقع نمی‌شد. در حقیقت، رابطه‌ی تلازم عرفی بین تولید کالای معیوب و خسارت ناشی از آن وجود دارد و به همین دلیل باید مسئولیت ناشی از تولید کالای معیوب را به سازنده‌ی آن منسوب ساخت.

البته معیار مذکور دارای ایرادهایی است و در پاره‌ای موارد برای تشخیص عامل زیان راهکاری ندارد (رستمی و شعبانی، ۱۳۹۵: ۱۴۸)، ولی معیار احراز رابطه‌ی سببیت، استناد



عرفی خسارت است و عرف خسارت ناشی از عیب کالا را به طور مثبت و ایجابی به تولیدکننده منتسب می‌داند. در حقیقت، تولیدکننده متعهد است کالای سالم و بی‌خطر تولید کند. اگر کالا معیوب باشد و از آن ضرری برخیزد، عرف آن را به تولیدکننده نسبت می‌دهد. همین انتساب عرفی برای تحقق مسؤلیت ناشی از عیب کالا کفایت می‌کند، اگرچه تولیدکننده مرتکب تقصیری نیز نشده باشد.

۱-۳. مبنای مسؤلیت مدنی تولیدکنندگان کالا در حقوق ایران

در حقوق ایران، لایحه حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب هیأت دولت به تاریخ ۱۳۷۲ در ماده (۳) مقرر می‌داشت «تولیدکنندگان کالا و خدمات ضامن صحت و سلامت کالا و خدمات مطابق با... استانداردهای تدوین شده و ضوابط اعلام شده توسط وزارت بهداشت... و دستگاه‌های ذی‌ربط بوده و باید کلیه خسارات ناشی از عیوب کالا و خدمات را جبران نمایند». در ماده (۲۲) آن نیز آمده بود در دعوی مطالبه‌ی خسارت، مصرف‌کننده‌ی زیان‌دیده تنها کافی است ثابت نماید که به او زیان وارد شده و این زیان ناشی از عیب کالا یا خدمت بوده است. بنابراین، نویسندگان لایحه تحت تأثیر تحولات صورت گرفته در کشورهای اروپایی در حوزه‌ی حمایت از حقوق مصرف‌کننده، اولاً تولیدکنندگان کالا را مسؤول سلامت و ایمنی محصول شمرده، و ثانیاً نظام مسؤلیت محض را برای آنها مقرر نموده بودند.

با وجود این، خروجی لایحه از مجلس و شورای نگهبان چیز دیگری بود. ماده (۲) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان به این صورت اصلاح شده است «کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، منفرداً یا مشترکاً مسؤول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه‌شده مطابق با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین و یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات هستند. اگر موضوع معامله کلی باشد، در صورت وجود عیب یا عدم انطباق کالا با شرایط تعیین شده، مشتری حق دارد صرفاً عوض سالم را مطالبه کند و فروشنده باید آن را تأمین کند. اگر موضوع معامله جزئی (عین معین) باشد، مشتری می‌تواند معامله را فسخ کند یا ارزش کالای معیوب و سالم را مطالبه کند و فروشنده مؤظف





است پرداخت کند. در صورت فسخ معامله از سوی مشتری پرداخت خسارت از سوی عرضه‌کننده منتفی است».

دو نکته در این ماده جلب توجه می‌کند: نخست آنکه قانونگذار از «خسارات ناشی از عیب کالا» که به جسم یا اموال خریدار یا سایر مصرف‌کنندگان وارد می‌شود، صحبت نکرده است، بلکه موضوع ماده تنها «تعهد به تحویل کالای سالم و ضمانت اجرای آن» است. به عبارت دیگر، اگر چه ظاهر ماده و حتی تبصره‌ی آن از «مسئولیت» یاد می‌کند، اما دقت در قسمت ذیل ماده نشان می‌دهد که مقصود مقنن ضرورت «تعهد» به تسلیم کالای عاری از عیب است. به همین خاطر در ذیل ماده به جای اینکه از جبران خسارت وارد بر مصرف‌کننده سخن بگویند، شیوه‌ی جبران عیب خود کالا را مطرح کرده است و در مورد مال معین به خریدار اختیار داده است معامله را فسخ کند یا ارش بگیرد و در مورد کلی تنها می‌تواند الزام بایع به تسلیم کالای سالم را بخواهد. در واقع، قانونگذار در این ماده همان قواعد خیار عیب در قانون مدنی را تکرار کرده است. به نظر می‌رسد اصلاح‌کنندگان لایحه‌ی پیشنهادی، جبران خساراتی را که از عیب کالا به وجود آمده است و شیوه‌های رفع عیب خود کالا را با یکدیگر خلط کرده‌اند و به همین دلیل، برخلاف لایحه در متن قانون، حکم به جبران خسارات ناشی از عیب کالا نشده است. در حالی که شیوه‌ی جبران عیب کالا در مقررات قانونی و موازین فقهی ما معلوم بود و نیاز به وضع قانون تازه نداشت. انتظار بر این بود که تصویب‌کنندگان نهایی قانون با استفاده از مطالعات حقوق تطبیقی به لزوم جبران خسارت وارد شده به تمامی مصرف‌کنندگان و اشخاص ثالث تصریح کنند، زیرا آنچه در حمایت از حقوق مصرف‌کننده سزاوار توجه و مستلزم وضع قاعده است، لزوم جبران زیان‌هایی است که کالای صنعتی و پیچیده برای مصرف‌کنندگان در پی دارد. برای احتراز از این امر باید گفت منظور از لزوم جبران خساراتی که در ماده (۱۸) این قانون پیش‌بینی گردیده و برای متخلفین و تولیدکنندگان کالای معیوب جزای نقدی مقرر شده است، رفع عیب ناشی از خود کالا نیست، بلکه مراد خساراتی است که در اثر عیب کالا به مصرف‌کنندگان می‌رسد.





نکته دوم آنکه در صورتی که بپذیریم ماده (۲) این قانون یا مواد دیگر آن از جمله ماده (۱۸) آن شامل مسؤولیت به جبران زیان ناشی از عیب کالا هم می‌شود، قانونگذار مبنای مسؤولیت تولیدکنندگان کالا را تعیین نکرده و در ماده (۲) تشخیص آن را به سایر قوانین، قرارداد و عرف ارجاع داده است. در حالی که در این قانون به عنوان قانون عام حمایت از مصرف‌کنندگان لازم بود در این زمینه تعیین تکلیف می‌شد. با توجه به قانون فعلی، در صورتی که بپذیریم جبران خسارات مصرف‌کنندگان زیان‌دیده نیز مشمول قانون است، با توجه به ارجاع به قوانین، قرارداد یا عرف، باید بپذیریم که مسؤولیت تولیدکنندگان بر تقصیر استوار شده است زیرا هر کس کالایی بر خلاف مقررات قانونی یا مندرجات قرارداد یا حکم عرف تولید یا عرضه نماید، مرتکب تقصیر شده است، همان‌گونه که از مواد (۹۵۲) تا (۹۵۴) قانون مدنی بر می‌آید، تقصیر تجاوز از قانون، قرارداد یا عرف است. به ویژه آنکه مبنای اصلی مسؤولیت مدنی در حقوق ما طبق ماده (۱) قانون مسؤولیت مدنی، تقصیر است. بنابراین، در موارد ابهام باید به این ماده رجوع نمود. ابتدای مسؤولیت تولیدکنندگان بر تقصیر نه تنها با تحولات صورت گرفته در حوزه حقوق مصرف و حمایت از مصرف‌کننده ناسازگار است و جبران خسارات آنان را بسیار دشوار و در برخی موارد غیر ممکن می‌سازد، بلکه همان‌طور که گذشت، با فقه اسلامی نیز منافات دارد و لازم است قانونگذار در ماده (۲) تجدید نظر کرده و همان مبنای پذیرفته شده در حقوق غربی را که با حقوق اسلامی نیز سازگار است مقرر نماید.

با وجود این، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو، تعهد عرضه‌کننده در طول مدت ضمانت مبنی بر تأمین سلامت و ایمنی خودرو را تعهد به نتیجه شمرده و در ماده (۳) مقرر داشته است «عرضه‌کننده در طول مدت ضمانت مکلف به رفع هر نوع نقص یا عیب (ناشی از طراحی، مونتاژ، تولید، یا حمل) است که در خودرو وجود داشته یا در نتیجه‌ی استفاده‌ی معمول از خودرو، بروز نموده و با مفاد ضمانت‌نامه و مشخصات اعلامی به مصرف‌کننده مغایر بوده یا مانع استفاده‌ی مطلوب از خودرو یا نافی ایمنی آن باشد یا موجب کاهش ارزش معاملاتی خودرو شود. هزینه‌ی رفع نقص یا عیب خودرو در طول مدت ضمانت و جبران کلیه‌ی خسارات وارده به مصرف‌کننده و اشخاص ثالث، اعم از





خسارات مالی و جانی و هزینه‌های درمان ناشی از نقص یا عیب (که خارج از تعهدات بیمه شخص ثالث باشد)، هزینه‌های حمل خودرو به تعمیرگاه، تأمین خودروی جایگزین مشابه در طول مدت تعمیرات (چنانچه مدت توقف خودرو بیش از ۴۸ ساعت باشد)، برعهده‌ی عرضه‌کننده می‌باشد. این ماده از این جهت که در تعریف عیب به عدم ایمنی خودرو توجه نموده و به جبران خسارات وارد بر مصرف‌کننده و اشخاص ثالث تصریح نموده و ضرر قابل جبران را نیز معین کرده است، بر قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مزیت دارد.

لازم است اشاره شود که مطابق ماده (۶۳۹) قانون مدنی موجر، معیر، مودع و امثال آنها در صورتی که کالای موضوع قرارداد معیوب بوده و به مستأجر، مستعیر، مستودع و نظایر آنها خسارتی وارد آورد و خسارت عرفاً مستند به آنها باشد، ایشان را مسؤول شمرده است. نهایتاً حکم این ماده، که مسؤولیت را بر تسبیب بنا نموده، لزوماً به عیب تولید مربوط نمی‌شود، زیرا ممکن است موجر یا مودع تولیدکننده نباشد و کالای معیوبی را که از دیگری گرفته، به مستأجر یا امین داده باشد.

۲. مبنای مسؤولیت مدنی ارائه‌دهندگان خدمات

۲-۱. مبنای مسؤولیت مدنی ارائه‌دهندگان خدمات در حقوق امریکا و اتحادیه اروپا

با پیشرفت فناوری و دانش بشری و افزایش تخصص‌ها و مهارت‌ها، امروزه حوزه‌ی ارائه‌ی خدمات به قدری گسترده شده است که ارائه‌ی تعریف جامعی از آن امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل، در سطح بین‌المللی تلاش شده است به جای ارائه‌ی تعریفی از آن، تقسیمات و طبقه‌بندی‌هایی از خدمات ارائه گردد. برای مثال، سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ به طبقه‌بندی استاندارد فعالیت‌های صنعتی^۱ پرداخته است. این طبقه‌بندی که در سال ۱۹۹۰ مورد تجدید نظر قرار گرفته، اقسام عمده‌ی خدمات را معرفی کرده است که شامل عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، رستوران‌داری، هتل‌داری، حمل و نقل، ارتباطات و انبارداری،



1. International Standard Industrial Classification of all Economic Activities [ISIC]



خدمات مالی، بیمه، ملکی، حقوقی، تجاری و خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی می‌شود. سازمان تجارت جهانی^۱ نیز در سال ۱۹۹۰ میلادی، موافقت‌نامه‌ی عمومی تجارت خدمات^۲ را تصویب نمود که خدمات را به دوازده گروه شامل خدمات بازرگانی، ارتباطات، ساخت و ساز و مهندسی، توزیع، محیط زیست، آموزش، مالی (شامل بانک‌داری و بیمه)، بهداشت، گردش‌گری و سفر، خدمات تفریحی و فرهنگی و ورزشی، حمل و نقل و سایر خدمات تقسیم نموده است و این دوازده حوزه، زیر مجموعه‌های فراوانی دارد. در حقوق ایران، قانون حمایت از مصرف‌کنندگان، خدمات را به دو دسته‌ی فنی و حرفه‌ای تقسیم نموده، ولی تعریفی از آنها ارائه نداده است. در قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۹۲ هم اصناف به دو گروه تولیدی - خدمات فنی و توزیعی - خدماتی تقسیم شده‌اند، ولی تعریفی از آنها صورت نگرفته است.

همان‌طور که گذشت، درباره‌ی پذیرش مبنای مسئولیت محض برای تولیدکنندگان کالا در امریکا و اتحادیه اروپا تقریباً اتفاق نظر حاصل شده است؛ به همین دلیل، دستورالعمل ۱۹۸۵ جامعه اروپا و قوانین کشورهای اروپایی تنها ناظر بر تولیدکنندگان کالا است. اما در خصوص مبنای مسئولیت مدنی عرضه‌کنندگان خدمات به دلیل تنوع بسیار زیاد خدمات تاکنون توفیقی حاصل نشده است و طرح کمیسیون اتحادیه اروپا^۳ در سال ۱۹۹۱ که در ماده (۱) اماره تقصیر ارائه‌کنندگان خدمات را پیش‌بینی می‌کرد و اثبات عدم تقصیر را بر عهده‌ی عرضه‌کننده خدمت قرار می‌داد، به دلیل اختلاف نظر کشورهای عضو به تصویب نرسید و تلاش‌های بعدی نیز برای نزدیک کردن دیدگاه‌ها و رسیدن به اتفاق نظر موفقیت‌آمیز نبود. (Weatherill, 2005: 147) به سفارش کمیسیون اتحادیه اروپا، انجام تحقیقی جامع در خصوص مسئولیت عرضه‌کنندگان خدمات با تأکید بر حقوق کشورهای فرانسه، آلمان، انگلستان، امریکا، ایتالیا، اسپانیا و سوئد به مؤسسه‌ای واگذار شد که در سال ۲۰۰۴ تکمیل و تحویل کمیسیون گردید. در این گزارش، بدون اینکه بین

مبانی مسئولیت مدنی تولیدکنندگان کالا در کشورهای مختلف: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، اسلام، امریکا و اتحادیه اروپا



1. General Agreement on Trade in Services [GATS]

2. WTO

3. Liability of Suppliers of Services in the European Community: the Draft Council Directive (1991)



ارائه دهندگان خدمات مختلف تفاوت گذارده شود، مسؤولیت آنان مبتنی بر تقصیر دانسته شد و اثبات آن نیز بر عهده‌ی مصرف کننده استقرار یافت. با وجود این تمایل بر آن بود که دادگاه‌ها تکلیف اثبات تقصیر را سبک تر کنند. (Mangnus & Micklitz, 2004)

در حقوق امریکا مطابق گفته‌ی حقوق دانان، دادگاه‌ها هیچ گاه مسؤولیت محض را برای ارائه کنندگان خدمات حرفه‌ای اعمال نکرده‌اند. (Prosser & Keeton, 1984: 679; Goodman, 1983: 216). در برخی از آرا نیز به عدم مسؤولیت محض ارائه کنندگان خدمات تصریح شده است. در رأی *Margine v. Krasnica* (1967) خواهان به دلیل شکسته شدن سوزن تزریقات در فک وی علیه دندانپزشک طرح دعوا کرد. اما دادگاه با این استدلال که دندانپزشک عیب سوزن را به وجود نیاورده و توانایی کشف و رفع عیب را نیز نداشته است و به این دلیل که خدمت دندانپزشک دارای ماهیت خدماتی بوده و منافع خدمات پزشکی برای جامعه از منافع مسؤولیت محض پزشکی بیشتر است، وی را مسؤول نشناخته است. البته با وجود اینکه دیدگاه رویه قضایی در خصوص عدم جریان مسؤولیت محض برای ارائه کنندگان خدمات حرفه‌ای روشن است و مسؤولیت آنان بر تقصیر استوار شده است (Morgan, 1987: 50)، برخی از نویسندگان از اعمال مسؤولیت محض در حوزه‌ی خدمات دفاع کرده‌اند. (Vandal, 1983-84: 54; Morgan, 1987: 48) به طور کلی، تمایل بر آن است در زمینه‌ی مسؤولیت مدنی عرضه کنندگان خدمات بر اساس قاعده «شیء خود گویای واقعیت است»، اثبات تقصیر ارائه کنندگان خدمات را آسان نمایند. (Mangnus & Micklitz, 2004: 7)

دلیل اینکه از حیث مبنای مسؤولیت مدنی، میان تولید کنندگان کالای معیوب و ارائه دهندگان خدمات معیوب تفاوت وجود دارد و در گروه نخست مسؤولیت محض پذیرفته شده و در دسته‌ی دوم مسؤولیت غالباً مبتنی بر تقصیر استوار می‌شود، این است که تعهد تولید کنندگان کالا تعهد به نتیجه است و آنان جز در صورت انتساب خسارت به حادثه‌ی خارجی، باید مسؤول آن قرار گیرند. در حالی که عرضه کنندگان خدمات غالباً تعهد به وسیله دارند و با اثبات عدم تقصیر نیز از مسؤولیت رهایی می‌یابند. به عبارت دیگر، تضمین سلامت خدمت به معنای تضمین نتیجه نیست، زیرا ممکن است خدمت سالم عرضه





شده باشد، اما نتیجه به دست نیاید. (Le Tourneau et Cadiet, 2002: 732-735) به عنوان مثال، ممکن است خدمات پزشکی سالم و بی‌عیب ارائه شده باشد، ولی بیمار بهبود نیابد؛ بنابراین، تضمین سلامت خدمات از سوی آنان بدین معنا است که رفتار آنان مطابق با مقررات و معیارهای شغلی و عرف خاص حرفه‌ای باشد.

۲-۲. مبنای مسؤولیت مدنی ارائه‌دهندگان خدمات در حقوق اسلام

در فقه اسلامی به طور خاص به «مسؤولیت عرضه‌کنندگان خدمات» پرداخته نشده است. با وجود این، «ضمان اجیر» در روایات و متون فقهی به طور گسترده مورد توجه قرار گرفته و به نظر می‌رسد می‌توان از بحث مزبور برای سامان‌دهی مسؤولیت عرضه‌کنندگان خدمات در فقه اسلام و استفاده از آن در نظام حقوقی بهره برد. در روایات وارد شده و گفتار فقیهان امامیه، مصادیق زیادی از عرضه‌کنندگان خدمات از قبیل لباس‌شوی، رنگرز، صنعتگر، باربر، بافنده، ملوان، شتردار، کرایه‌دهنده، نجار، خیاط، طیب، چشم‌پزشک، دامپزشک، ختنه‌کننده، حجامت‌کننده، صاحب سفینه، نگهبان، گوسفندچران و گاوچران، راننده اتومبیل جهت ضمان موضوع حکم قرار گرفته‌اند. برخی فقها نیز پس از تقسیم اجاره به اعتبار موضوع آن، عقد اجاره بر عمل را شامل مواردی از قبیل اجاره‌ی ارباب حرف و صنعتگران و اجاره‌ی خدمت و عمل دانسته‌اند. (نجفی، ۱۳۵۹، ج ۱: ۱۳۱). صاحبان حرف معادل اشخاص حرفه‌ای در حقوق غرب و اجاره اربابان حرفه و صاحبان خدمت معادل عرضه‌کنندگان خدمات در حقوق کنونی است. به علاوه، در پاره‌ای از روایات از «عامل مشترک» استفاده شده^۱ و از آن بر می‌آید که ضمان عامل مشترک بر مسؤولیت عرضه‌کنندگان خدمات قابل انطباق است.

با وجود این باید توجه داشت در غالب روایت‌های رسیده و متون فقهی، مسؤولیت اجیر نسبت به مال مستأجر که توسط او و یا در دست او تلف شده، صحبت شده است، نه



۱. زید بن علی درباره باربری که شیشه‌ی روغن بزرگی را شکسته بود، از پدران خویش نقل می‌کند که امام (علیه‌السلام) وی را ضامن دانست و فرمودند: هر عامل مشترکی که کالا را تباہ کند، ضامن است. از امام پرسیده شد: عامل مشترک چه کسی است؟ فرمودند: هر کسی که برای من و برای تو و برای این کار می‌کند. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۱۵۲؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۲۲۲؛ اصفهانی، ۱۴۰۶، ج ۱۱: ۴۲۴).



خسارتی که از عیب خدمت به جسم و سایر اموال مستأجر و یا اشخاص ثالث وارد می‌شود. ولی این امر موجب نمی‌شود که نتوانیم از منابع مزبور در مورد ارائه‌دهندگان خدمات استفاده کنیم، زیرا موضوع اصلی بحث در روایات و کتب فقهی، خساراتی بوده که اجیر بر اموال مستأجر وارد می‌کند و اموالی که در دست مستأجر بوده، خصوصیتی ندارد و از ملاک آنها می‌توان نسبت به سایر خساراتی که اجیر بر مستأجر وارد می‌کند، استفاده برد و حتی خسارتی که به اشخاص ثالث وارد می‌گردد، مشمول بحث قرار داد. به ویژه آنکه برخی از روایات و فتاوی فقهی ناظر بر ضمان طیب، ختنه‌کننده و حجامت‌کننده است که حین ارائه‌ی خدمت، خسارت بدنی به دیگری وارد آورده‌اند، نه مسؤولیت اجیر نسبت به کالای مستأجر. در نتیجه، از مصادیق مطرح در متون فقهی می‌توان به قاعده‌ی عمومی مسؤولیت مدنی عرضه‌کنندگان خدمات دست یافت.

گفتنی است روایات و فتاوی فقهی ناظر به شخصی است که عنوان «اجیر» بر او صدق کند و منافع آنها برای مدت معین یا به صورت کلی به دیگری تملیک شده باشد، اعم از اجیر خاص یا عام (مشترک). بنابراین، اشخاصی که برای انجام کاری مأذون شده‌اند و تملک منفعت در آن صورت نمی‌گیرد، مشمول بحث ما قرار نمی‌گیرند و مسؤولیت آنها تابع قواعد عمومی ضمان امین است. به همین خاطر، مسؤولیت و کیل و مستودع و امثال آنها که به ارائه‌ی خدمتی می‌پردازند، تحت عنوان مسؤولیت عرضه‌کنندگان خدمات و یا ضمان اجیر نیست.

حال، با توجه به مباحث مذکور باید به مسؤولیت اجیر یا ارائه‌دهندگان خدمات در فقه اسلام پرداخت. در این زمینه دو نظریه در فقه شیعه ارائه شده است: مطابق نظر نخست که غالب فقهای امامیه طرفدار آن هستند، بین روایات رسیده پیرامون ضمان اجیر از معصومین (علیهم‌السلام) تعارض وجود دارد و با روایات ناظر بر امین بودن مستأجر نیز مغایر است. به همین دلیل، فقها از آنها اعراض نموده و ید اجیر را امانی دانسته و بر این باورند که اجیر ضامن تلفی که حادث می‌شود نخواهد بود، مگر آن که مرتکب تعدی یا تفریط شده یا خسارت منتسب به فعل او بوده و در حقیقت، مرتکب اتلاف شده باشد. (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۱۳۸ و ۱۸۶؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳: ۲۴۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۵: ۲۲۴؛





کاشف الغطا، ۱۳۵۹، ج ۱: ۲۲۰؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۴: ۶۲۶؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳، ج ۱: ۵۵؛ و در تأیید این نظر در حقوق ایران، ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۱۷) از این رو می توان گفت از نظر فقهای امامیه اگر اجیر مرتکب اتلاف شود، ضامن است، هر چند مرتکب تقصیری نشده باشد ولی در تسبیب، او تنها در صورتی ضامن است که تعدی یا تفریط نموده باشد.

نظر دیگر در میان فقهای شیعه آن است که اجیر ضامن است مگر آن که تلف بدون تقصیر او و یا مستند به قوهی قاهره باشد. سید مرتضی، اگر چه صنعتگران را ضامن دانسته و برای اثبات ضمان آنها به قاعده علی الید استناد کرده، ولی معتقد است هرگاه معلوم شود کالا تلف شده یا معلوم شود که امکان دفع آن نبوده و یا بر تلف آن بینه اقامه کند، ضامن نخواهد بود. (شریف مرتضی، ۱۴۱۵: ۴۶۶) شیخ مفید نیز ارائه دهندگان خدماتی از قبیل لباس شوی، رنگرز، خیاط، ملوان، کرایه دهنده و شتردار را ضامن کالایی دانسته است که به وی تسلیم شده است، مگر اینکه معلوم شود تلف شده یا در اثر امری که دفاع از آن ممکن نبوده، از بین رفته یا بر آن بینه اقامه کند و ثابت نماید بدون تعدی و تفریط وی تلف شده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۴۶۳). به این ترتیب، بر خلاف آنچه مشهور شده، نظر سید مرتضی و شیخ مفید بر ضمان مطلق اجیرها نمی باشد، بلکه دقت در نظر آنها نشان می دهد که این دو فقیه بزرگ اصل را بر مسؤولیت اجیر نهاده و اثبات عدم مسؤولیت را بر عهدهی خود اجیر گذاشته اند.

در مقام داوری بین این دو نظریه و با دقت در روایاتی که پیرامون ضمان اجیر وارده شده، به نظر می رسد در حقوق اسلام باید نظر دوم را تأیید کرد. در حقیقت، اگر چه به ظاهر میان روایت های نقل شده تعارض وجود دارد، ولی می توان بین آنها جمع کرد. به عنوان مثال، سکونی از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) رنگرز، لباس شوی و صنعتکار را به جهت احتیاط در کالاهای مردم ضامن می شمردند، ولی در صورت غرق و آتش سوزی و امر حادث شده غالبی آنها را ضامن نمی دانستند. مسع بن عبدالملک نیز از ایشان نقل می کند که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) جز در صورت درنده شدن، غرق، آتش سوزی و دزد چیره دست، «اجیر

بنای سؤالات حقوقی در زمینه ضمانت کالاهای صنعتگران خدماتی: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران، اسلام، امیرکواخند اردا





مشترک» را ضامن می‌دانستند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۴۲ و ۲۴۴؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۲۱۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۱۴۳ و ۱۴۹) از دسته‌ی دیگر از روایات نیز معلوم می‌شود اجیر ضامن است و خود او باید بر عدم مسؤولیت خویش بینه اقامه کند. برای نمونه، حلبی از امام صادق (علیه‌السلام) روایت می‌کند ایشان درباره‌ی حمل و نقل کننده‌ی روغن زیتون که ادعای ریختن، از بین رفتن یا دزدیده شدن آنها را کرد، فرمودند: اگر بینه عادل بی‌آورد که دزد به آن زده یا نابود شده، چیزی بر عهده‌ی او نیست، در غیر این صورت، ضامن است. حلبی در روایت دیگری از امام صادق (علیه‌السلام) نقل می‌کند که ایشان درباره‌ی لباسشوی و رنگرز فرمودند هرچه از آنها دزدیده شود و دلیل روشنی برای دزدیده شدن آن نداشته باشند، ضامن کم و زیاد آن خواهند بود و اگر بینه بی‌آوردند، چیزی بر عهده‌ی آنها نیست. (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳: ۲۵۵؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷: ۲۱۷ و ۲۲۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۴۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۱۴۱-۱۵۳)

باید به این نکته اشاره کرد که روایات وارد شده از حیث سند و دلالت توسط فقهای شیعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند (اصفهانی، ۱۴۰۶، ج ۱۱: ۴۱۱-۴۲۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۴: ۶۲۶)، ولی آنچه محل اختلاف است، فهم معنای روایات و تعیین مبنای مسؤولیت عرضه‌کنندگان خدمات و ارتباط آن با امین بودن اجیر است. به نظر می‌رسد اخبار فوق بیانگر آن هستند کسی که خدمتی عرضه می‌کند، ضامن خسارات ناشی از عمل خویش است، ولی می‌تواند اثبات نماید که زیان وارد شده مستند به عمل او نبوده و به اصطلاح حضرت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در اثر امور غالبی (قوه قاهره) پدید آمده است. بنابراین می‌توان گفت در حقوق اسلام «اماره مسؤولیت» عرضه‌کنندگان خدمات پذیرفته شده است.

۲-۳. مبنای مسؤولیت مدنی ارائه‌دهندگان خدمات در حقوق ایران

در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، مسؤولیت تولیدکنندگان کالا و خدمات در عرض یکدیگر قرار گرفته است و مسؤولیت هر دو در چارچوب قانون، قرارداد و عرف پذیرفته شده است. به این ترتیب، مسؤولیت عرضه‌کنندگان خدمات نیز مبتنی بر تقصیر است. اساتید حقوق مدنی نیز مسؤولیت عرضه‌کنندگان خدمات را در کنار اشخاص حرفه-



ای و تحت عنوان «تقصیر شغلی و مسؤولیت حرفه‌ای» مورد مطالعه قرار داده و بر تقصیر استوار ساخته‌اند. معیار تقصیر شغلی و حرفه‌ای نیز رفتار متعارف یک شخص متخصص در آن حرفه و شغل است. (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۱۵۸؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۰۰-۳۸۶) این گفته با ماده (۲) قانون پیش گفته و همچنین با ماده (۱) قانون مسؤولیت مدنی که بنای مسؤولیت را بر تقصیر استوار نموده است مطابقت دارد، زیرا به موجب ماده‌ی اخیر شخص در صورتی مسؤول است که مرتکب تقصیر شده باشد و از آنجا که لحاظ نمودن رفتار انسان متعارف به عنوان معیار تحقق تقصیر صاحبان حرفه، به معنای نادیده گرفتن دانش، تخصص و مهارت اشخاص حرفه‌ای است، ناگزیر باید رفتار شخص حرفه‌ای و متخصص متعارف در همان تخصص مورد نظر را ملاک قرار داد.

با وجود این، تقصیر شغلی و حرفه‌ای به عنوان مبنای مسؤولیت مدنی تمام ارائه‌دهندگان خدمات و لزوم اثبات آن از سوی زیان‌دیدگان در حقوق ما عمومیت ندارد، زیرا مسؤولیت مدنی پاره‌ای از عرضه‌کنندگان خدمات در قوانین پراکنده موضوع حکم ویژه قرار گرفته و در مصادق گوناگون نیز از مبنای واحدی پیروی نشده است. به عنوان مثال، طبق ماده (۳) قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی «سردفتران دفاتر اسناد رسمی ذی‌ربط مسؤول صحت و اعتبار اسناد تنظیمی می‌باشند» که ظهور در «مسؤولیت محض سردفتران» دارد. در حقیقت، قانونگذار تعهد آنها را از نوع تعهد به نتیجه به شمار آورده است. علاوه بر آن ماده (۳۳۹) قانون تجارت مقرر می‌دارد «دلالت مسؤول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معاملات به او داده شده مگر اینکه ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبوره مربوط به شخص او نبوده است». حکمی که نشان از «اماره مسؤولیت دلالت» دارد و وی تنها با انتساب وقوع حادثه به سبب خارجی می‌تواند از مسؤولیت رهایی یابد. ماده (۳۸۶) قانون مزبور نیز متصدی حمل و نقل را مسؤول تلف یا گم شدن کالا دانسته است و اوست که باید ثابت کند تلف یا گم شدن کالا مربوط به جنس خود مال‌التجاره یا مستند به تقصیر ارسال‌کننده و یا مرسل‌الیه و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی‌توانست از آن جلوگیری نماید. این حکم نیز دلالت بر «اماره مسؤولیت متصدی حمل و نقل» و تعهد او به سالم رساندن کالا به مقصد دارد و او نمی‌تواند با اثبات عدم تقصیر از خود سلب مسؤولیت کند، بلکه باید آن را منتسب به عامل خارجی سازد. در ماده (۱۲) قانون مسؤولیت مدنی نیز «اماره تقصیر کارفرمایان» پیش‌بینی شده است. قانون





مجازات اسلامی هم در ماده (۴۹۵) «اماره تقصیر پزشک» را مقرر نموده است. (صفایی، ۱۳۹۱: ۱۴۸؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۱۶۲)

حال با توجه به پراکندگی قوانین ناظر بر مسئولیت عرضه کنندگان خدمات و تفاوت مبنای مسئولیت در آنها (اماره مسئولیت، اماره تقصیر و مسئولیت محض) می‌توان گفت ماده (۲) قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان و ماده (۱) قانون مسئولیت مدنی متضمن قاعده‌ی عام است و شامل عرضه‌کنندگان خدمات هم می‌شود. از این رو، چنانچه در قوانین خاص برای مسئولیت عرضه‌کنندگان خدمات حکم خاصی وضع شده باشد، همان حکم اجرا می‌شود؛ و در غیر این صورت قواعد عمومی مسئولیت مدنی اعمال می‌گردد و این زیان‌دیده است که باید تقصیر شغلی و حرفه‌ای عرضه‌کننده‌ی خدمت را اثبات کند. ولی از آنجا که اثبات این تقصیر از سوی مصرف‌کننده کاری بس دشوار است و نظر به فلسفه‌ی وضع قوانین حمایت از حقوق مصرف‌کننده و پیشینه‌ی فقهی آن، رویه قضایی می‌تواند اماره تقصیر آنها را مقرر دارد تا از سنگینی حکم قانون بکاهد. تمایل قانونگذار نیز پذیرش اماره تقصیر ارائه‌کنندگان خدمات است، چنانکه در قانون مجازات اسلامی، قانون دریایی، قانون تجارت و قانون مسئولیت مدنی دیدیم.

نتیجه‌گیری

تحول مسئولیت مدنی تولیدکنندگان کالای معیوب در حقوق غرب پس از فراز و نشیب‌های طولانی و آزمایش راه‌حل‌های گوناگون، سرانجام با پذیرش مسئولیت بدون تقصیر تولیدکنندگان کالاها آرام گرفت. هر چند این تحول در عرصه‌ی قلمرو و دامنه مسئولیت مدنی آنها، همچنان در حال تکامل و پیشرفت است. اما در حقوق اسلام، اگر چه در خصوص مسئولیت تولیدکنندگان کالا به صورت خاص بحثی نشده است، ولی با توجه به اینکه در مسئولیت مدنی ناشی از اضرار به دیگری، تقصیر رکن مسئولیت به شمار نمی‌آید و تنها در احراز رابطه‌ی سببیت مؤثر است، می‌تواند مسئولیت بدون تقصیر تولیدکنندگان کالای معیوب را پذیرفت؛ به ویژه آنکه در مورد تولیدکنندگان کالا وجود رابطه‌ی سببیت بین عیب کالا و خسارت وارد شده از نظر عرف مسلم است. از این رو، مسئولیت محض تولیدکنندگان کالا با قواعد ضمان قهری حقوق اسلام سازگار است. در حقوق ایران، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مبنای مسئولیت مدنی





تولیدکنندگان کالا را تعیین نکرده و آن را به سایر قوانین، عرف و قرارداد مربوطه واگذار کرده است که خود گویای پذیرش مسئولیت مبتنی بر تقصیر برای آنان است؛ امری که با مبنای استناد عرفی خسارت به عامل آن در حقوق اسلام و تحولات صورت گرفته در حقوق غرب تضاد دارد و حمایتی از مصرف کنندگان و تسهیل دعوی مسئولیت مدنی آنها به عمل نمی‌آورد و به همین دلیل، قابل انتقاد و نیازمند اصلاح است.

اما در خصوص مبنای مسئولیت مدنی عرضه کنندگان خدمات در حقوق امریکا و اتحادیه اروپا تاکنون اجماعی حاصل نشده و حتی طرحی که اماره تقصیر آنها را پیش‌بینی می‌کرد، در سطح اتحادیه اروپا به تصویب نرسید. در این حوزه، همچنان مسئولیت مبتنی بر تقصیر است و اثبات آن اصولاً بر عهده‌ی زیان‌دیده قرار دارد؛ اما با تمهیداتی که اندیشیده شده سعی گردیده است اثبات تقصیر عامل زیان تسهیل شود.

در حقوق اسلام، حسب روایات وارد شده و برداشت برخی از فقیهان امامیه در باب ضمان اجیر نشان می‌دهد اماره‌ی مسئولیت ارائه‌دهندگان خدمات پذیرفته شده است. در قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان، به صراحت در زمینه‌ی مبنای مسئولیت عرضه کنندگان خدمات تعیین تکلیف نشده است، هر چند به نظر می‌رسد نظر قانونگذار بر مسئولیت مبتنی بر تقصیر آنان و لزوم اثبات آن از سوی زیان‌دیده بوده است.

با توجه به مطالب فوق پیشنهاد می‌شود قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان هر چه سریع‌تر اصلاح شود و مسئولیت محض تولیدکنندگان کالا و اماره‌ی مسئولیت عرضه کنندگان خدمات را مقرر نماید. رویه قضایی تا آن زمان نیز می‌تواند با توجه به پیش‌بینی قانونی اماره مسئولیت برای برخی از عرضه کنندگان خدمات و وحدت ملاک آن و با توجه به سوابق فقهی و تسهیل جبران خسارت زیان‌دیدگان اماره مسئولیت آنها را برقرار سازد. در مورد تولیدکنندگان کالا نیز می‌تواند به دلیل اینکه در هیچ‌یک از مواد قانون حمایت از مصرف کنندگان از تقصیر نام برده نشده و با توجه به مواد (۱۶)، (۱۸) و (۱۹) آن که عبارت «موجب ورود خسارت»، «به واسطه‌ی آن» و «ورود خسارت ناشی از مصرف» را به کار برده و ظهور در کفایت وجود رابطه‌ی سبب برای حکم به ضمان دارد، مسئولیت بدون تقصیر آنها را بپذیرد.

مبنای مسئولیت مدنی تولیدکنندگان کالا را در حقوق امریکا، اتحادیه اروپا و اسلام، امریکا و اتحادیه اروپا



منابع



۱. استون، فردیناند اف.، ۱۳۸۸ش، نهادهای اساسی حقوق ایالات متحده امریکا، ترجمه سیدحسین صفایی، تهران، جنگل، چ ۲.
۲. استون، فردیناند اف.، ۱۳۴۵ش، «مسئولیت سازندگان و فروشندگان کالای معیوب»، ترجمه سیدحسین صفایی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۱.
۳. اصفهانی [مجلسی دوم]، محمد باقر، ۱۴۰۶ق، ملاذ الأخیار، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، چ ۱، ج ۱۱.
۴. بابایی، ایرج، ۱۳۸۱ش، «بررسی عنصر خطا در حقوق مسئولیت مدنی ایران»، پژوهش حقوق، ش ۷.
۵. بهرامی احمدی، حمید، ۱۳۹۰ش، «تحول جهانی مبنای مسئولیت مدنی به سوی مبنای نفی ضرر»، فصلنامه حقوق، ش ۲.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۷ش، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چ ۴، ج ۱.
۷. حلی [علامه]، حسن بن یوسف، ۱۴۱۳ش، قواعد الأحكام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ج ۳.
۸. ———، ۱۴۱۴ق، تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البیت (ع)، چ ۱، ج ۱۵.
۹. ———، ۱۴۲۰ق، تحریر الأحكام، قم، مؤسسه امام صادق (ع)، چ ۱، ج ۵.
۱۰. حلی [محقق]، جعفر بن حسن، ۱۴۰۸ق، شرائع الإسلام، قم، اسماعیلیان، چ ۲، ج ۲.
۱۱. خمینی [امام]، سیدروح الله، بی تا، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، چ ۱، ج ۲.
۱۲. خوبی، سیدابوالقاسم، بی تا، مصباح الفقاهه، بی جا، بی نا، بی چا، ج ۳.
۱۳. رستمی، هادی و شعبانی کندسری، هادی، ۱۳۹۵ش، «احراز رابطه سببیت با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، پژوهش حقوق کیفری، ش ۱۵.
۱۴. روحانی، سیدصادق، ۱۴۱۲ق، فقه الصادق (ع)، قم، دارالکتاب، چ ۱، ج ۱۹.
۱۵. سیستانی، سیدعلی، ۱۴۱۷ق، منهاج الصالحین، قم، دفتر آیه الله سیستانی، چ ۵، ج ۲.
۱۶. شریف مرتضی، علی بن حسین، ۱۴۱۵ق، الانتصار، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱.





۱۷. صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ج ۳.
۱۸. صفایی، سیدحسین، ۱۳۹۱ش، «مبنای مسؤلیت مدنی پزشک با نگاهی به لایحه جدید قانون مجازات اسلامی»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۵۸.
۱۹. ——— و رحیمی، حبیب‌الله، ۱۳۹۳ش، مسؤلیت مدنی: الزامات خارج از قرارداد، تهران، سمت، ج ۶.
۲۰. طوسی [شیخ]، محمد بن حسن، ۱۳۸۷ق، المبسوط، تهران، المکتبه المرتضویه علیه السلام، ج ۳، ج ۳.
۲۱. ———، ۱۴۰۷ق، تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ج ۴، ج ۷ و ۱۰.
۲۲. عاملی [شیخ حرّ]، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ج ۱، ج ۱۹.
۲۳. عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین، ۱۴۱۳ق، مسالک الأفهام، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ج ۱، ج ۱۲ و ۱۵.
۲۴. فاضل لنکرانی، محمد، ۱۴۱۸ق، تفصیل الشریعه: الدیات، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ج ۱.
۲۵. ———، ۱۴۲۴ق، تفصیل الشریعه: الإجاره، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ج ۱.
۲۶. ———، ۱۴۲۸ق، القواعد الفقهیه، قم، مهر، ج ۱.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، ج ۵، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ج ۴، ج ۵.
۲۸. کاتوزیان، ناصر، ۱۳۸۷ش، الزام‌های خارج از قرارداد: مسؤلیت مدنی، تهران، دانشگاه تهران، ج ۸، ج ۱.
۲۹. کاشف الغطاء نجفی، محمدحسین، ۱۳۵۹ق، تحریر المجله، تهران-قم: مکتبه النجاح، ج ۱، ج ۳.
۳۰. قمی، میرزا ابوالقاسم، بی تا، «تصرف المالك مع تضرر الغير به»، مجله فقه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ش ۱۳.





۳۱. محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۸۵ش، قواعد فقه: بخش مدنی، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چ ۱۲.

۳۲. مراغی، عبدالفتاح، ۱۴۱۸ق، العناوین الفقهیه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چ ۱، ج ۲.

۳۳. مفید، محمد، ۱۴۱۳ق، المقنعه، قم، کنگره هزاره شیخ مفید، چ ۱.

۳۴. موسوی بجنوردی، سیدحسن، ۱۴۱۹ق، القواعد الفقهیه، قم، نشر الهادی، چ ۱، ج ۴.

۳۵. نجفی، شیخ محمدحسن، ۱۴۰۴ق، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ ۷، ج ۲۷.

۳۶. هاشمی شاهرودی، سید محمود، با همکاری جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ق، موسوعه الفقه الاسلامی، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، چ ۱، ج ۹.

37. Cavaliere, A., (2004) Product Liability in the European Union: Compensation and Deterrence Issues, European Journal of Law and Economics, vol.18.

38. Goodman, M., (1983), "Strict Liability and the Professional Service Transaction", Insurance Counsel Journal, vol.50.

39. Hodges, Christopher J. S., (2000), "Product Liability in Europe: Politics, Reform and Reality", William Mitchell Law Review, vol.27.

40. Le Tourneau, Ph. et Cadirt, L., (2002), Droit de la responsabilité et des contrats, Paris, Dalloz.

41. Le Tourneau, Ph., (2005), Responsabilité civile professionnelle, Paris, Dalloz, 2^{ème} éd.

42. Mangnus, U. & Micklitz, H-W., (2004), Comparative Analysis of National Liability Systems for Remediating Damage Caused by Defective Consumer Service, A Study Commissioned by European Commission. at.europa.eu/consumers/archive/cons.../liability/reportd_en.pdf

43. Morgan, F. W., (1987), "Strict Liability and the Marketing of Services vs. Goods: A Judicial Review", Journal of Public Policy & Marketing, vol.6.

44. Prosser and Keeton on Torts. (by William Lloyd Prosser: W. Page Keeton; Dan B. Dobbs; Robert E. Keeton & David G. Owen), (1984), West Publishing Co. 5th ed.

45. Stephenson. G. & Clark. P., (1987), Commercial and consumer law, London, Blackstone, 2nd ed.

46. Vandal, G., (1983-84), "Applying Strict Liability to Professionals: Economic and Legal Analysis", Indiana Law Journal, vol.59.

47. Weatherill, S., (2005), EU Consumer Law and Policy, Edward Elgar Publishing, 2nd ed.

